





دانشگاه اصفهان  
دانشکده ادبیات و علوم انسانی  
گروه فلسفه

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته ی فلسفه گرایش غرب

**تشکیک‌های فخر رازی بر عیون الحکمه ابن سینا**

استاد راهنما:

دکتر فتحعلی اکبری

استاد مشاور:

دکتر غلامحسین توکلی

پژوهشگر:

کریم صادقی آهنگر

تیر ماه ۱۳۸۹

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات و  
نوآوری‌های ناشی از تحقیق موضوع این پایان نامه  
متعلق به دانشگاه اصفهان است.



دانشگاه اصفهان  
دانشکده ادبیات و علوم انسانی  
گروه فلسفه

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته ی فلسفه گرایش فلسفه غرب  
آقای کریم صادقی آهنگر تحت عنوان

**تشکیک های فخر رازی بر عیون الحکمه ابن سینا**

در تاریخ ۱۳۸۹/۴/۱۴ توسط هیأت داوران زیر بررسی و با درجه عالی به تصویب نهایی رسید.

امضاء  
امضاء

۱- استاد راهنمای پایان نامه دکتر فتحعلی اکبری با مرتبه ی علمی دانشیار

۲- استاد مشاور پایان نامه دکتر غلامحسین توکلی با مرتبه ی علمی استادیار

امضاء

۳- استاد داور داخل گروه دکتر رضا صادقی با مرتبه ی علمی استادیار

امضاء

۴- استاد داور خارج از گروه دکتر جعفر شانظری با مرتبه ی علمی استادیار

امضای مدیر گروه

امضاء

## چکیده

این پایان‌نامه تحت عنوان «تشکیک‌های فخر رازی بر عیون الحکمة/ابن سینا» دارای یک مقدمه و چهار فصل است. مقدمه، اشاره‌ای است بدین نکته که بارزترین نقد فلسفی در دوره اسلامی، همانا نقد فخر رازی بر دو اثر ابن سینا: «اشارات» و «عیون الحکمة» است که در این پژوهش، اختصاصاً انتقادهای فخر رازی بر عیون الحکمة، از شرح عیون الحکمة او استنباط و استخراج شده است. فصل اول درباره کلیات است: (توضیح کلی درباره نقد، شرح و بیان مسأله، اهداف و فرضیه‌ها، پیشینه تاریخی، روش تحقیق شرح حال کوتاهی از ابن سینا و فخر رازی). سپس، در فصل دوم، بیست و سه انتقاد فخر رازی، درباره سخنان ابن سینا در بخش منطق عیون الحکمة، استخراج گردیده و پس از تشریح و تبیین، در حد توان، به آن‌ها پاسخ داده شده است. در فصل سوم، شصت و یک انتقاد فخر رازی از لابلائی سخنان فخر رازی، درباره سخنان ابن سینا، در بخش طبیعیات عیون الحکمة، استخراج گردیده و به نحوی و تا جایی که برای ما مقدور بوده است، به آن‌ها پاسخ داده شده است. در فصل چهارم، بیست انتقاد فخر رازی، درباره سخنان ابن سینا، در بخش الهیات عیون الحکمة، از لابلائی سخنان فخر رازی، در شرح عیون الحکمة، استنباط و استخراج شده و مورد بررسی قرار گرفته است. در سرآغاز فصل‌های دوم تا چهارم نیز به نکاتی اشاره شده است: مثلاً در آغاز فصل سوم اشاره شده است که بحث‌های ابن سینا و نقدهای فخر رازی، هر کدام، بر اصول موضوعه‌ای استوار است که اگر اصول موضوعه‌ای دیگر به جای آن‌ها نهاده شود، بحث‌ها و شیوه‌ها و نحوه ورود به بحث و خروج از آن دگرگون می‌شود. مثلاً درباره اینکه جسم چیست؟ علامه طباطبایی، در اواخر فصل چهارم، مرحله ششم نهاییه الحکمة می‌گوید: «وجود جسم بدان معنی که دانشمندان علوم طبیعی در دوران جدید مطرح کرده‌اند، اصل موضوع برای ماست». بنابراین، اصل موضوعه‌ایی که مورد قبول ابن سینا و فخر رازی بوده است، در نقد آراء آن دو ملحوظ گردیده است.

**کلید واژه‌ها:** عیون الحکمة، شکاکیت، کلی واقسام آن، اصول موضوعه و اقسام آن، امور طبیعی، الهیات بالمعنی الأعم و الأخص.



## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
ح	مقدمه.....
	<b>فصل اول: کلیات</b>
۲	۱-۱- شرح و بیان مسأله و اهمیت موضوع.....
۲	۲-۱- اهداف این تحقیق.....
۲	۳-۱- فرضیه‌ها و پرسش‌های این پژوهش.....
۳	۴-۱- پیشینه تحقیق.....
۳	۵-۱- روش تحقیق.....
۳	۶-۱- آشنایی با ابن سینا و فخر رازی.....
	<b>فصل دوم: انتقادات و تشکیکات فخر رازی در بخش منطق «شرح عیون الحکمه»</b>
۱۵	مقدمه.....
۱۷	۱-۲- لفظ مفرد.....
۱۷	۲-۲- اقسام کلی.....
۱۸	۳-۲- کلی ذاتی.....
۱۹	۴-۲- فصل.....
۱۹	۵-۲- کلیات خمس.....
۲۰	۶-۲- جنس.....
۲۰	۷-۲- مقولات عشر.....
۲۱	۸-۲- کمیت.....
۲۱	۹-۲- کیفیت.....
۲۲	۱۰-۲- لفظ مفرد دال بر وضع.....
۲۲	۱۱-۲- قضایا.....
۲۳	۱۲-۲- قضیه حملیه.....
۲۴	۱۳-۲- قضیه شرطیه.....
۲۴	۱۴-۲- محمول.....
۲۵	۱۵-۲- تناقض.....
۲۶	۱۶-۲- قیاس.....

۲۶	۱۷-۲- مواد برهان
۲۹	۱۸-۲- اولیات
۲۹	۱۹-۲- محسوسات
۳۰	۲۰-۲- مجربات
۳۱	۲۱-۲- حدسیات
۳۱	۲۲-۲- قضایایی که قیاسات آن‌ها همراه آنها است
۳۲	۲۳-۲- متواترات

### فصل سوم: انتقادهای فخر رازی در بخش طبیعیات عیون الحکمه

۳۴	مقدمه
۳۵	۱-۳- طبیعت
۳۵	۲-۳- حرکت
۳۶	۳-۳- تحرک
۳۷	۴-۳- محرک
۳۸	۵-۳- فلکالافلاک
۳۹	۶-۳- بسیط
۳۹	۷-۳- شکل طبیعی
۴۰	۸-۳- بسایط عالم
۴۱	۹-۳- مکان عام
۴۲	۱۰-۳- ملاً
۴۳	۱۱-۳- خلأ
۴۴	۱۲-۳- دلیل سوم بر خلأ
۴۵	۱۳-۳- اتصال
۴۵	۱۴-۳- تماس
۴۵	۱۵-۳- جزء لایتجزی
۴۶	۱۶-۳- برهان ابطال جزء لایتجزی
۴۷	۱۷-۳- انقسامات جسم
۴۷	۱۸-۳- انقسام جسم در توهم



..... مکان	۱۹-۳	۴۸
..... اثبات زمان	۲۰-۳	۴۸
..... زمان	۲۱-۳	۴۹
..... زمان مقدار حرکت است	۲۲-۳	۴۹
..... قبل	۲۳-۳	۵۱
..... زمان به سکون وابسته نیست	۲۴-۳	۵۱
..... زمان واحد مقدار حرکات متعدد	۲۵-۳	۵۱
..... زمان و آن	۲۶-۳	۵۲
..... جسم طبیعی	۲۷-۳	۵۲
..... دهر	۲۸-۳	۵۳
..... حرکت علت زمان	۲۹-۳	۵۴
..... حرکت نفسانی و ارادی که موجب زمان است	۳۰-۳	۵۵
..... حرکت جسم	۳۱-۳	۵۶
..... تناهی قوای جسم	۳۲-۳	۵۷
..... مبدأ حرکت	۳۳-۳	۵۸
..... ادامه بحث درباره جسم	۳۴-۳	۵۹
..... واحد و بسیط	۳۵-۳	۶۱
..... اجسام بسیط	۳۶-۳	۶۳
..... اجسام معدنی	۳۷-۳	۶۳
..... نفس نباتی	۳۸-۳	۶۴
..... حیوان	۳۹-۳	۶۵
..... قوه نفس حیوانی	۴۰-۳	۶۵
..... لمس	۴۱-۳	۶۶
..... قوه بصر	۴۲-۳	۶۷
..... چگونگی دیدن	۴۳-۳	۶۷
..... حس مشترک	۴۴-۳	۶۹
..... قوه خیال یا مصوره	۴۵-۳	۷۱

۷۲	۳-۴۶- قوه حافظه.....
۷۳	۳-۴۷- قوه مفکره.....
۷۴	۳-۴۸- قوای باطنی انسان.....
۷۴	۳-۴۹- حس مشترک و فرق آن با خیال.....
۷۵	۳-۵۰- قوه محرکه.....
۷۵	۳-۵۱- قوای حاسه بدنی اند.....
۷۸	۳-۵۲- نطق.....
۷۸	۳-۵۳- بعض خواص نفس ناطقه.....
۷۹	۳-۵۴- تعقل و رویت.....
۷۹	۳-۵۵- تصور و تصدیق.....
۸۰	۳-۵۶- معنای انسانیت.....
۸۰	۳-۵۷- لازمه‌های طبیعت انسان.....
۸۱	۳-۵۸- فعل نفس.....
۸۲	۳-۵۹- مصدر حس، خیال، وهم و ادراک.....
۸۲	۳-۶۰- عقل.....
۸۴	۳-۶۱- محل ادراکات عقلی.....

## فصل چهارم: بخش الهیات

۸۶	۴-۱- اوصاف موجود بما هو موجود و اثبات فلسفه اولی.....
۸۸	۴-۲- اثبات هیولی.....
۹۰	۴-۳- هیولی و صورت جسمیه.....
۹۱	۴-۴- صورت نوعیه.....
۹۲	۴-۵- قوای جسمانی.....
۹۴	۴-۷- جوهر.....
۹۷	۴-۱۰- کلی به حسب حد.....
۹۸	۴-۱۲- وجود دو چیز وابسته به هم، ممکن است.....
۹۹	۴-۱۳- معنی واجب الوجود بر بسیار حمل نمی‌شود.....
۱۰۱	۴-۱۴- ماهیت واجب الوجودانیت اوست.....

## عنوان

## صفحه

۱۰۲.....	۱۵-۴- یکی از خواص واجب الوجود
۱۰۴.....	۱۶-۴- قادر بودن واجب الوجود
۱۰۶.....	۱۸-۴- تعریف لذت
۱۰۷.....	۱۹-۴- لذت نفس ادراک مکمل آن است
۱۰۷.....	۲۰-۴- رنج
۱۰۹.....	۲۱-۴- نتیجه گیری
۱۱۱.....	منابع و مأخذ:

## نقد و نقادی

اگر نقد و نقادی را امری ذاتی فلسفه و کار نخستین فیلسوفان بدانیم، پرداختن به نقدهای فلسفی، یکی از مسائل اصلی فلسفه خواهد بود. بارزترین نقد و خرده‌سنجی که در دوران اسلامی، در حوزه علوم عقلی رخ داده است، همانا نقدها و تشکیکات **فخر رازی** بر **ابن سینا** بوده است. حتی کار غزالی در تهافت الفلاسفه و فضائح الباطنیه و سایر آثار او، نقد و خرده‌سنجی، به معنی واقعی کلمه، نیست. زیرا غزالی - که در ۲۸ سالگی به لشکرگاه نظامی نیشابور رفت و شش سال در موکب نظام‌الملک سفر می‌کرد و در ۳۴ سالگی از سوی نظام‌الملک به استادی نظامیه بغداد، منصوب شد - از در ستیز با فلسفه درآمد و در کتاب تهافت الفلاسفه، دست کم، سه بار فلاسفه را تکفیر کرد: یکی در مسأله قدم یا حدوث عالم، دوم در مسأله چگونگی علم خداوند به جزئیات، و سوم در مسأله معاد. همچنین او در کتاب حماقت اهل باطن، طی ذکر شبهه‌های هشت‌گانه، و در کتاب کیمیای سعادت، در آخر شبهه هفتم، به قتل اُبَاحیان فتوا داد. پس، غزالی، بر مبنای اصول و خط مشی اهل ظاهر و تندروترین قشر اشعریان، همواره مخالفان خود را، نه نقد، بلکه ردّ می‌کرد و می‌کوشید تا همه کسانی را که با مشروعیت خلافت عباسیان مخالفت می‌کردند، مورد تکفیر و تعقیب و آزار قرار دهد. اما **فخر رازی**، نه با تکیه بر نقل و اصول اهل ظاهر و اشاعره، بلکه او بیشتر با تکیه بر منطق و استدلال و اصل موضوع‌های مورد پذیرش فلاسفه یا گروه‌های عقل‌گرای دیگر، سخنان فلاسفه، به ویژه **ابن سینا** را مورد نقد و تشکیکات خویش قرار داد. او نخستین شارح آثار **ابن سینا** است. شرح او بر اشارات و عیون الحکمه، از قرن ششم تاکنون برای فهم مقاصد **ابن سینا**، همچنان مورد استفاده محققان فلسفه اسلامی است. حتی اشارات **ابن سینا** را تحت عنوان «لباب الاشارات و التنبیها» تلخیص نموده است. بنابراین، او بارزترین نقاد فلسفه در دوره اسلامی است. در این پایان‌نامه به بخشی از انتقادهای او که تاکنون مغفول مانده است، پرداخته می‌شود. چه آنکه درباره نقدهای او بر شرح اشارات بحث‌های مهم صورت گرفته است: مثلاً **خواجه نصیرالدین طوسی** در شرح اشارات خویش به اکثر انتقادهای **فخر رازی** پاسخ داده، یا به نحوی اکثر آن‌ها را مطرح نموده است. پس از **خواجه نصیر طوسی** نیز کسانی چون **قطب رازی** میان آن دو شارح (**فخر رازی** و **طوسی**) داوری نموده‌اند. اما، درباره انتقادهای **فخر رازی** بر عیون الحکمه **ابن سینا**، کسی بحثی نکرده است. شاید بدین سبب بوده است که شرح و تفسیر **فخر رازی** برای عبارات موجز عیون الحکمه، چنان مفید و سلیس و روان بوده است که نقدهای او را پوشانیده است.

این پایان‌نامه در چهار فصل تنظیم گردیده است: فصل اول: کلیات؛ فصل دوم: نقدهای **فخر رازی** بر بخش منطق عیون الحکمه؛ فصل سوم: نقدهای **فخر رازی** بر بخش طبیعیات عیون الحکمه؛ و فصل چهارم: نقدهای **فخر رازی** بر الهیات عیون الحکمه.

در خاتمه مقدمه، به دشواری کار و بیرون کشیدن انتقادات از لابلائی سخنان **فخر رازی** اشاره می‌کنیم: او انتقادات خود را بیشتر با تعبیر «لقائل ان يقول» (کسی می‌تواند بگوید) آغاز می‌کند. اما، گاهی با همین تعبیر به چیزهایی دیگر پرداخته است و گاهی در بادی نظر به نظر می‌رسد که او به دفاع از **ابن سینا** پرداخته‌اند، با تأمل و دقت، معلوم می‌شود که

چنین نیست. به هر حال نقد و دفاع و تفسیر در شرح عیون الحکمه چنان در هم تنیده‌اند که کار استنباط و استخراج انتقادهای را از سخنان پر وجوه **فخر رازی** دشوار ساخته است. چنانکه ترجمه عبارات او، همچون عبارات **ابن سینا**، سخت دشوار است. با این حال، کوشش فراوان صورت گرفت و مشکلات از سر راه برداشته شد. امید است حاصل کار مورد قبول استادان ارجمند قرار گیرد. - بمنه و کرمه.



:

انتقاد (نقد و خرده‌سنجی) فیلسوفی نسبت به فیلسوفی دیگر، یا متکلمی نسبت به فیلسوفی، در دوره اسلامی، به ویژه از قرن چهارم، قرنی که نقطه اوج فرهنگ اسلامی را به نمایش گذاشت، تا قرن ششم هجری، از پربرکت‌ترین و زیباترین کار فرهیختگان ایران بود. بالندگی علم کلام و فلسفه، در این دوره، در گرو بالندگی نقد و انتقاد بود. از وقتی که متکلمان معتزلی، در عصر محنه، قتل عام شدند و اشاعره از قرن چهارم هجری تاکنون، تنها میدان‌دار عرصه بحث‌های کلامی شدند، و از همان زمان، به ویژه از قرن ۶ بدین سو، فلسفه‌ستیزی به راه افتاد و فلاسفه از متن تمدن اسلامی به حاشیه رانده شدند، و به عبارت دیگر، از وقتی که نقد و انتقاد کنار نهاده شد، همه دانش‌های استدلالی، چه کلام و چه فلسفه، رو به ضعف نهاد. از این رو، پرداختن به نقدها و انتقادهایی که در دوره اسلامی رخ داده است، همانا پرداختن به عقلانیتی است که در فرهنگ ما وجود داشته است، و احیای آن رگه از عقلانیتی که ما داشته‌ایم، برای شروع تفکر جدی، در دوران جدید، بسیار ضروری می‌نماید.

با آنکه نقدها و تشکیکات **فخر رازی** همواره پراهمیت تلقی شده، و از همان زمان **فخر رازی** تاکنون مورد توجه بوده است، و با آنکه به نقدها و تشکیکات او بر کتاب اشارات توجه خاصی صورت گرفته است، با این حال، به نقدها و انتقادهای او بر **ابن سینا**، در شرح عیون الحکمه، که به بیش از یکصد انتقاد می‌رسد، توجهی صورت نگرفته است. جای خالی بحث درباره انتقادهای او بر عبارات عیون الحکمه، ما را بر آن داشت که بدین مسأله مهم و موضوع بسیار اساسی، پردازیم. چه آنکه، نه تنها بررسی نقدهای **فخر رازی** مهم است، بلکه همچنین خود متن «عیون الحکمه» بسیار بااهمیت است. یکی از شواهد دال بر اهمیت کتاب عیون الحکمه این است که بنامه اولین فصل اسفار اربعه **ملاصدرا** عبارت آغاز بخش الهیات عیون الحکمه است که نه خود **صدرالمتألهین** به آن اشاره کرده است، و نه شارحان اسفار. مثلاً آقای **جوادی آملی** در ریح مختوم، به آن توجه نکرده است، - با آنکه او می‌کوشد به منابع اسفار اشاره کند و آقای حسن‌زاده آملی نیز در شرح فارسی اسفار، بدین نکته مهم توجه ننموده است.

- الف) تبیین چگونگی تشکیک‌های **فخر رازی** در بخش منطق شرح عیون الحکمه؛  
ب) تبیین تکشیک‌های **فخر رازی** در بخش طبیعی شرح عیون الحکمه؛  
ج) تشریح تشکیک‌های **فخر رازی** در الهیات شرح عیون الحکمه.

- الف) تشکیک‌های **فخر رازی** در بخش منطق شرح عیون الحکمه چه ویژگی‌هایی دارند؟  
ب) تشکیک‌های او در طبیعات کدامند؟  
ج) تشکیک‌های **فخر رازی** در بخش الهیات شرح عیون الحکمه شامل چه مسائلی است.



درباره انتقادهای **فخر رازی** به کتاب الاشارات و التنبیها، بحث‌های بسیار صورت گرفته است: **خواجه نصیرالدین طوسی** در شرح اشارات انتقادات **فخر رازی** به **ابن سینا** را پاسخ گفته است، و **قطب‌الدین رازی** در این باره، در کتاب محاکمات خود داوری کرده است، و شارحان اشارات و تعلیقه‌نویسان بر آن کتاب در این باره بحث کرده‌اند. اما درباره موضوع مورد بحث ما (انتقادهای **فخر رازی** بر **ابن سینا** در کتاب شرح عیون الحکمه) کسی بحث مستقل به عمل نیاورده است. و در واقع، این نخستین بار است که ما در این وادی قدم نهاده‌ایم که امیدوارم به فضل الهی سربلند بیرون بیاییم.

روشی که در این پژوهش در پیش گرفته شده است همانا روش «اسنادی» و به عبارت اخص روش «تحلیل محتوا» است. انتقادهای **فخر رازی** در لابلای شرح و تفسیر عبارات **ابن سینا**، در کتاب شرح عیون الحکمه، مورد تحلیل قرار گرفته و پس از استنباط و استخراج آن‌ها، مورد بررسی قرار گرفته است.

از آن جایی که موضوع این پژوهش به دو فیلسوف (**ابن سینا** و **فخر رازی**) ارتباط پیدا می‌کند، لازم به نظر رسید که شرح حال کوتاهی از هر دو، در این جا ارائه گردد: نخست سخنی کوتاه، درباره شرح حال یا زندگی‌نامه **ابن سینا** می‌آوریم و سپس شرح حال شارح متن عیون الحکمه یعنی **فخر رازی** بیان می‌گردد.

الف) زندگینامه **ابن سینا**

ب) زندگینامه **فخر رازی**

الف) زندگینامه **ابن سینا**

**ابوعلی حسین بن عبدالله بن سینا**، مشهور به **ابوعلی سینا** و **ابن سینا** و **پور سینا** (زاده ۱ شهریور ۳۵۹ خورشیدی در بخارا - در گذشته ۴۱۶ خورشیدی در همدان، ۳۷۰ - ۴۲۸ قمری، ۹۸۰ - ۱۰۳۷ میلادی)، از

مشهورترین و تأثیرگذارترین فیلسوفان و دانشمندان ایرانی) جهان اسلام بود.<sup>(۱)</sup> وی ۴۵۰ کتاب در زمینه‌های گوناگون نوشته است که شمار زیادی از آن‌ها در مورد پزشکی و فلسفه است. (جرج سارتین او را مشهورترین دانشمند سرزمین‌های اسلامی می‌داند که یکی از معروف‌ترین‌ها در همه زمان‌ها و مکان‌ها و نژادها است. کتاب معروف او «قانون» است.)

## روش ابن سینا

ابن سینا بسیار تابع فلسفه ارسطو بود و از این نظر به استادش فارابی شباهت دارد. مبحث منطق و نفس در آثار او در واقع همان مبحث منطق و نفس ارسطو و شارحان او نظیر اسکندر افرودیسی و ثامیسپیوس است. اما ابن سینا هر چه به اواخر عمر نزدیک می‌شد، داستان‌های تمثیلی او و نیز کتاب پرحجم حکمه‌المشرقیین که اواخر عمر تحریر کرده بود، شاهد این مدعاست. متأسفانه امروزه از این کتاب تنها مقدمه‌اش در دست است. اما حتی در همین مقدمه نیز ابن سینا به انکار آثار دوران ارسطویی خویش مانند شفا و نجات می‌پردازد.<sup>(۲)</sup>

## آثار ابن سینا

به دلیل آنکه در آن عصر، عربی زبان رایج آثار علمی بود، ابن سینا و سایر دانشمندان ایرانی که در آن روزگار می‌زیستند کتاب‌های خود را به زبان عربی نوشتند. بعدها بعضی از این آثار به زبان‌های دیگر از جمله فارسی ترجمه شد.

افزون بر این، ابن سینا در ادبیات فارسی نیز دستی قوی داشته است. بیش از ۲۰ اثر فارسی به او منسوب است که از میان آن‌ها انتساب دانشنامه علائی و رساله نبض، بدو مسلم است. آثار فارسی ابن سینا، مانند سایر نثرهای علمی زمان وی، با رعایت ایجاز و اختصار کامل نوشته شده است.<sup>(۳)</sup>

آثار فراوانی از ابن سینا به جا مانده و یا به او نسبت داده شده که فهرست جامعی از آن‌ها در فهرست نسخه‌های مصنفات ابن سینا آورده شده است. این فهرست شامل ۱۳۱ نوشته اصیل از ابن سینا و ۱۱۱ اثر منسوب به او است.<sup>(۴)</sup>

از مصنفات اوست: کتاب المجموع در یک جلد، کتاب الحاصل و المحصول در بیست جلد، کتاب البر و الاثم، در دو جلد، کتاب الشفاء، در هجده جلد، کتاب القانون فی الطب، در هجده جلد، کتاب الارصاد الکلیه، در یک

1. ابن سینا (انگلیسی). دانشنامه بریتانیکا (به قلم سید حسین نصر) (۲۰۰۸). بازدید در تاریخ ۲۹ آوریل ۲۰۰۸.

2. محمدرضا فراهی، ارسطوی بغداد، از عقل یونانی به وحی قرآنی، انتشارات کاروان، ۱۳۸۰، ص ۳۳.

3. انوشه، ۴۸ - ۴۵.

4. مهدوی، یحیی، ۱۳۶۰، شکاکان یونان، خوارزمی، تهران.

جلد، کتاب الانصاف، در بیست جلد، کتاب النجاه، در سه جلد، کتاب الهدایه، در یک جلد، کتاب الاشارات، در یک جلد، کتاب المختصر الاوسط، در یک جلد، کتاب العلائی، در یک جلد، کتاب القولنج، در یک جلد، کتاب لسان العرب فی اللغه، در ده جلد، کتاب الادویة القلییه، در یک جلد، کتاب الموجز، در یک جلد، کتاب بعض الحکمه المشرقیه، در یک جلد، کتاب بیان ذوات الجهه، در یک جلد، کتاب المعاد، در یک جلد، کتاب المبدأ و المعاد، در یک جلد.

و رساله‌های او عبارتند از:

رساله القضاء و القدر، رساله فی الآله الرصدیه، رساله عرض قاطیغوریایس، رساله المنطق بالشعر، قصائد فی العظمه و الحکمه، رساله فی نعوت المواضع الجدلیه، رساله فی اختصار اقلیدس، رساله فی مختصر النبض به زبان فارسی، رساله فی الحدود، رساله فی الاجرام السماویة، کتاب الاشاره فی علم المنطق، کتاب اقسام الحکمه، کتاب النهایه، کتاب عهد کتبه لنفسه، کتاب حی بن یقطانف کتاب فی ان ابعاد الجسم ذاتیه له، کتاب خطب، کتاب عیون الحکمه، کتاب فی انه لایجوز ان یکون شیء واحد جوهریا و عرضیا، کتاب ان علم زید غیر علم عمرو، رسائل اخوانیه و سلطانیه و مسائل جرت بینه و بین بعض العلماء. یکی از کتاب‌های **ابن سینا** به نام المباحث بیشتر شامل جواب سؤالات او است.

#### فلسفه

- شفا
- نجات
- الاشارات و التنبیها
- حی بن یقطان

#### ریاضیات

- زاویه
- اقلیدس
- الارتماطیقی
- علم هیئت
- المجسطی
- جامع البدایع

## طبیعی

- ابطال احکام النجوم
- الاجرام العلویة و اسباب البرق و الرعد
- فضا
- النبات و الحيوان

## پزشکی

- قانون
- الادویة القلبیه
- دفع المضار الکلیه عن الابدان الانسانیه
- قولنج
- سیاسة البدن و فضائل الشراب (احتمالاً بلکه مظلوماً منظور خمر حرام نیست. به مقاله دوم کتاب فیلسوف شهید شیعه **ابوعلی سینای خراسانی** رجوع شود.)

کتاب قانون یک دایره المعارف پزشکی است که در آن تمام مبانی اصلی طب سنتی مورد بحث قرار گرفته است مانند: مبانی تشریح / آناتومی / مبانی علامت‌شناسی / سمیولوژی / داروشناسی و داروسازی و نسخه‌نویسی / فارماکولوژی / و غیره. کتاب قانون در سال ۱۳۶۰ توسط **مرحوم شرفکندی (اموستا هژار)** از زبان عربی به زبان فارسی امروزی ترجمه شد و توسط انتشارات سروش منتشر گردید و تاکنون چندین بار تجدید چاپ شده است. کتاب قانون در دانشگاه‌های اروپایی و آمریکایی تا دو قرن پیش مورد استفاده پزشکان بوده و به اکثر زبان‌های دنیا ترجمه شده است و بعد از انجیل بیشترین چاپ را داشته است. **افلاطون** مغز و قلب و کبد را از اعضای حیاتی بدن انسان ذکر کرده بود و لذا این اعضا را مثلث افلاطون (تریگونوم پلاطو) می‌نامیدند. **ابن سینا** اعلام نمود که دوام و باقی نسل انسان وابسته به دستگاه تولید مثل است و لذا جمع چهار عضو مذکور را **مربع ابن سینا** (کوادرانگولا اوسینا) نامیدند. وی همچنین علاقه‌مند به تأثیرات اندیشه بر جسم بود و آثاری نیز در باب روانشناسی دارد.

## موسیقی

نوشتار اصلی: **ابن سینا** و دانش موسیقی

پورسینا تئوری دانی دارای دیدگاه‌های موسیقایی است. او مرد دانش و نه کنش در موسیقی بود ولی آنچه‌ان از همین دانش نظری سخن می‌راند که گویی در کنش نیز چیره‌دست است. گمان می‌شود **پورسینا** و **فارابی**